

مدرنیسم در اشعار فروغ و شاملو

محمدرضا تاجیک

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

فرزانه احدزاده نمینی

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: مدرنیسم در چند دهه اخیر شیوه غالب هنر در سطح جهان بوده است که با واکنش زیبایی‌شناسی و فرهنگی نسبت به مدرنیته و مدرنیزاسیون مشخص می‌شود. ویژگی برجسته آنچه در شعر و رمان و چه در نقاشی و هنر سینما، فلسفی اندیشی و اندیشه ورزی عقلانی است. این پژوهش هدف خود را در دو قسمت دنبال کرده است: بخش اول پایه نظری پژوهش است تا به سؤالاتی از این دست پاسخ دهد که مدرنیسم چیست؟ مدرنیسم در ادبیات چیست و دارا بودن چه ویژگی‌هایی باعث می‌شود که ما اثری را مدرن بنامیم؟ بخش دوم، هدفش اثبات این ادعاست که اشعار فروغ فرخزاد و احمد شاملو آثاری مدرن هستند و طبق نظریات مطرح مدرنیسم، اطلاق صفت مدرن به آنان جایز است؛ و از طرفی مقایسه اشعار این دو شاعر به لحاظ معیارهای مدرنیستی است.

روش پژوهش: این پژوهش به روش تحلیل محتوا است و آرای نظریه رنه وِلک در کتاب «نظریه ادبیات» و نیز پیترو چایلدز در کتاب «مدرنیسم» و مارشال برمن در کتاب «تجربه مدرنیته» را در نظر دارد و برخی متون فروغ و شاملو را از منظر معیارهای شکلی و محتوایی مدرنیسم، با تحلیل «مضمونی» و «مقوله‌ای» مورد بررسی قرار می‌دهد و همچنین با پیش رو قرار دادن این متون، واکنش این شاعران را به عنوان شکلی از گفتمان اجتماعی مدرنیسم در قالب دغدغه‌ها و دل مشغولی‌های نگارش مدرنیستی نشان می‌دهد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در اشعار این دو شاعر معیارهای مدرنیستی از جمله، اندیشه ژرف، فردگرایی، درون‌نگری، فروپاشی اجتماعی، سمبول، استعاره و... برجسته است و مطابق با این ویژگی‌ها می‌توان این اشعار را مدرن نامید. در مقایسه شعرهای این دو شاعر به لحاظ ویژگی‌های مدرن می‌توان نتیجه گرفت که از حیث محورهایی مانند فردیت، درون‌نگری، خود ارجاعی و شکاکیت، شعر فروغ از بهره مدرنیستی بالاتری برخوردار است. هر دو شاعر تعهد اجتماعی و انسانی نیرومندی را در شعرهایشان منعکس می‌کنند و در عین حال بیشتر اشعار آنان، حاوی اندیشه عمیق است. در نهایت هیچ یک از دو شاعر مدرن، فلسفه اندیش نیستند.

واژگان کلیدی: مدرنیسم، شعر نو، فروغ، شاملو

مقدمه

شعر قدیم ما از رودکی تا جامی بر تأملی فلسفی تکیه داشته و هم از این روست که شعر ما را تفکر ما دانسته‌اند، از خردنامه فردوسی که آن را فلسفه سیاسی ایران باستان به شمار می‌آورند تا رباعیات خیام که برداشتی عمیقاً فلسفی دارد (موحد ۱۳۸۹، ۲۱۰) و یا شعرهای مولوی و سعدی و حافظ که دیدگاه منسجم فلسفی یا عرفانی در آنان موجود است.

دوران انحطاط شعر فارسی از جامی به بعد، همزمان با زوال اندیشه و انحطاط تاریخی ایران زمین نیز هست و در این دوره طولانی افول شعر فارسی تا مشروطیت، عامل فلسفه و اندیشه از عالم شعر غایب بود؛ اما پس از شکست فلسفه و عصر زرین فرهنگ ایران یعنی از سده‌های چهارم و پنجم هجری به بعد، شعر فارسی و عرفان از مقوم‌های فرهنگ و ملیت ایرانی بوده است. (طباطبایی ۱۳۷۵، ۲۸۲)

جایگاه شاملو و فروغ در شعر و ادب معاصر، والا و شاخص است و اگر معیار بررسی و ارزیابی شعر و شاعر دکتر شفیعی کدکنی را منظور بکنیم در دو خط صعودی و عمقی که سازنده شخصیت اصلی شاعرند یعنی زیبایی‌های هنری و فنی (صعودی) و زمینه انسانی عواطف (عمقی)، این دو شاعر امتیاز بسیار بالایی دارند، در بُعد پشتوانه فرهنگی، کاستی مهم آنان، ناآشنایی با فلسفه است. لیکن از حیث اندیشه انسان دوستی، آزادی‌خواهی، همدلی با مردم و حتی کل بشر (من بشری) و نقد اجتماعی و پیوند با زندگی و مسائل مردم کوچه و خیابان، در این بعد هم بالاتر از سطح متوسط قرار می‌گیرند، لذا می‌توان آنان را دو یا سه بعدی دانست. در بعد گستردگی اشعار، شعر آنان در جامعه، مانند عموم شاعران معاصر، در حوزه گروه برگزیدگان و شاید اندکی در گروه متوسط جامعه نفوذ کرده باشد. لذا در این خط، نمره فروغ و شاملو متوسط یا پایین خواهد بود. (امیر ضیایی ۱۳۹۰، ۲۱)

ذات شاعر

برگزیدگان	متوسط	عوام

به گفته شفیعی کدکنی «تمامی شاعران خوب عصر ما هنوز به میان گروه متوسط جامعه هم راه نیافته‌اند.» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۳، ۱۵۸)

بیان مسئله

تاریخ جهانی را به دو دوران کلان باستانی و مدرن تقسیم کرده‌اند و خط فاصل این دو را آغاز رنسانس یا سیطره عقلانیت و علم تجربی از قرن شانزدهم میلادی به بعد دانسته‌اند. در کشور ما هم به همین اعتبار، جامعه سنتی - باستانی در همین مقطع و تحت تأثیر برخورد‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی با تکنولوژی غربی، دچار تغییر کیفی می‌شود و واکنش‌های گوناگون در برابر مدرنیته غربی بروز می‌کند. این دوران مقارن است با حاکمیت صفویان در ایران و امپراتوری عثمانی در همسایگی کشورمان. دولت‌های غربی و همسایگان شمالی و غربی یعنی روسیه و ترکیه از بعد نظامی تکنولوژیک برتری داشتند و طی جنگ‌های فرساینده، بخش‌های بزرگی از خاک ایران را ضمیمه خود ساختند و همین شکست‌ها زمینه‌ای شد برای تفکر ایرانیان درباره فرهنگ مدرن. واکنش‌ها البته هم عاقلانه و هم عاطفی بود. در گروه اول، هدف، آشنایی با مدرنیته و احیاناً نقد آن بود و اما در طیفی دیگر، احساس خطر نسبت به از دست دادن فرهنگ سنتی، سبب بروز سنت‌گرایی و نفی عقلانیت مدرن و حتی دشمنی با آن شد. احیاگران دینی با دو روش متفاوت شروع به نظریه‌پردازی کردند. بخشی از آنان باور داشتند که عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را می‌توان با اصلاحات درون دینی و با تغییر مفاهیم کهنه

کردن حس ناسیونالیسم^۳ و انتقاد از خرافات مذهبی. در واقع شعر مشروطیت به میان توده مردم می‌آید و از زبان مردم استفاده می‌کند. هرچند این نوع شعر جنبه ابزاری داشته و لذا «عاطفه» عنصر اساسی آن را بر می‌ساخته است. هم از این رو دیگر عناصر شعر مانند تخیل، زبان، موسیقی و شکل شعر کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

احمد شاملو (۱۳۷۹-۱۳۰۴) بالتبع نیما شعر موج نو را در پیش گرفت اما سبک شعر منثور و شعر سپید را ادامه داد. در شعر منثور وزن و قافیه موجود نیست اما در آن موسیقی خاص و گاه نوعی قافیه‌های میانی و آهنگی خاص دیده می‌شود و به گفته منتقدان، شاملو در این عرصه موفق‌ترین است.

فروغ فرخزاد (۱۳۴۵-۱۳۱۳) شکل نیمایی شعر یا شعر آزاد را برگزید و با وجود عمر کوتاه و دو دفتر شعر (تولد دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد)، جزو بزرگان عالم شعر و ادب ایران به حساب می‌آید. شعر آزاد شعری است با وزن عروضی درهم آمیخته که مصرع‌های آن نامحدود است و قافیه نیز جای منظم و مشخص ندارد.

شعر شاملو و فروغ از حیث نگاه نو به زندگی و هستی، متفاوت از شعر باستانی است و حتی از دید برخی منتقدین می‌تواند در کنار شعر معاصر جهان قرار گیرد. آنان تجربه‌های زبانی شعر را گسترش دادند و نقد اجتماعی نیرومندی را ارائه نمودند.

اکنون پرسش این است که آیا شعر نوی ایران و بالتبع اشعار فروغ و شاملو نسبتی از نوع شباهت شکلی و محتوایی و یا همانندی با شعر مدرن غرب دارند، چه ویژگی‌هایی در مدرنیسم^۴ و شعر مدرن غرب هست که می‌توان آن‌ها را در شعر نوی خودمان هم پی بگیریم. این تحقیق بدون ورود به عرصه ارزش‌گذاری و قضاوت درباره شعر و ادب سنتی و مدرن، در پی پاسخ به این پرسش‌هاست.

برطرف کرد مانند جمال‌الدین اسدآبادی و از متأخرین شریعتی. در بخش دیگر عقیده بر این بود که اصلاح دین و رفع عقب‌ماندگی با پذیرش بخش‌هایی از مدرنیته و نیز حفظ اساس دین و سنت، میسر است. مانند علامه اقبال و عبدالکریم سروش در دوران اخیر. جنبش مشروطیت نشان داد که در اعماق جامعه ایران، میل به تغییر و اصلاح، اساسی است. این جنبش واکنشی بود تجددخواهانه و بر علیه نیروهای سنت حاکم که هرچند شکست خورد اما تحولی اساسی در جامعه ایران به وجود آورد و عقلانیت و قانون را کمابیش در کشور برقرار ساخت.

نظام ادبی کهن و شعر سنتی^۱ تا حدود میانه قرن نوزدهم پا برجا بوده است اما با تماس‌های فرهنگی کم و بیش منظم با کشورهای اروپایی و هند و عثمانی طلیعه‌های نوگرایی در شعر فارسی آغاز می‌شود.

عموماً گفته شده که شعر نو ایران متأثر از شعر غرب است و استدلال می‌شود که تشابه فراوان در ساختار و معنای شعر نوی ایران با شعر نو^۲ غرب، بیانگر تأثیر شعر غربی بر شعر نو ایران است؛ و البته این شعر در مقایسه با قصیده و غزل، تفاوت نو و کهنه را آشکار می‌سازد؛ اما اگر در نظر بگیریم که شعر نو ویژگی‌هایی دارد مانند دارا بودن موضوعی واحد یا داستانی کوتاه و نیز ساختار صوری و محتوا متکی برهم هستند و در بعد واژگان و کلام و زبان، زبان طبیعی معاصر و دور از زبان ادیبانه و متکلف است، تمامی این خصوصیات، همان ویژگی‌های «قطعه» در شعر سنتی ایران محسوب می‌شود، لذا برخی صاحب‌نظران برآنند که شعر نو ایران، ادامه قطعه سرایی است کما اینکه وزن نیمایی هم ادامه منطقی وزن عروضی است.

در شعر مشروطیت، حوزه مخاطبان گسترده‌تر می‌شود و عواطف و احساسات شعر، مسائل زمان را در برمی‌گیرد مانند موضوع قومیت و تلاش برای بیدار

اهمیت و ضرورت پژوهش

فروغ و شاملو را منتقدین طراز اول ادبیات معاصر می‌شناسند و بسته به همین جهت نوشته‌ها و کتاب‌های زیادی درباره‌ی آنها موجود است، اما عموم این نوشته‌ها به بررسی فن شعر و سبک و ویژگی‌های ادبی صناعی پرداخته‌اند و جنبه محتوایی و تطبیقی مدرنیستی بسیار کمتر مورد توجه و بررسی بوده است. در شرایط کنونی جهانی و پیوندها و گسست‌های جوامع دنیا، سخن بر سر ادبیات و فرهنگ و حتی دهکده جهانی می‌رود، اندیشمندانی باور دارند که فاصله‌های فرهنگی توسط بازار جهانی سرمایه‌داری و ارتباطات از بین خواهند رفت، در مقابل پژوهشگرانی بر ماندگاری و ناهمگرایی فرهنگ‌ها تأکید می‌ورزند. همین تفاوت‌های دیدگاه درباره‌ی شعر نو یا معاصر ایران هم موجود است، گروهی آن را متأثر از شعر مدرن غرب و دنباله‌روی آن می‌دانند، دیگران شعر نو ایران را ادامه سنت شعری قدیم و قطعه سرایی معرفی می‌کنند. به همین دلیل پرداختن به شعر این دو شاعر بزرگ و مؤثر ادبیات معاصر از دیدگاه نظریه مدرنیسم و تأثیر و کارکرد این شیوه هنری در شعر آنان واجد اهمیت و ضرورت است.

اهداف پژوهش

هدف آرمانی این تحقیق پیوند فرهنگ‌های خاص و عام است. هدفی کلی ارائه طرحی است بر مبنای تغییرات جهانی صنعتی شدن و ارتباطات و بازتاب جهانی و ملی فرهنگ و شعر تحت تأثیر جهانی شدن. هدف ویژه روشن ساختن نسبت شعر نو ایران با مدرنیسم است و هدف کاربردی ارائه مفهوم شعر مدرن دو شاعر طراز اول به بازار ادبیات است که در اساس اقلیت روشنفکران را شامل می‌شود.

پیشینه پژوهش

جایگاه فروغ فرخزاد در تاریخ ادبیات ایران در قله‌هاست، به گفته شفیع کدکنی، در «تولد دیگر» «با شاعری بزرگ روبرو می‌شویم که بی‌هیچ گمان، تاریخ ادبیات ایران او را به عنوان بزرگ‌ترین زن شاعر در طول تاریخ هزار ساله خویش خواهد پذیرفت و در قرن ما یکی از دو سه چهره برجسته شعر امروز خواهد بود. فروغ بیشتر از نیما وزن شعر را گسترش داد... و صورت و معنی در شعر او مدرن است. هیچ روشنگری بهتر از فروغ به ستیز با سنت برنخاسته است». (شفیع کدکنی ۱۳۹۰، ۵۶۶) با وجود چنین برجستگی کار فروغ، هنوز به ویژگی‌های مدرن و شعر او با معیارها و نظریه‌های مدرنیستی، پرداخته نشده است.

درباره فروغ و به ویژه شاملو کتاب‌های بسیاری نوشته و از منظرهای گوناگون، شعر آنان را بررسی کرده‌اند. با این‌همه به دلیل تازگی مدرنیسم در ایران، از این دیدگاه و معیارهای مشخص مدرنیسم، به شعر فروغ و شاملو توجه نشده است. یکی از کتاب‌های برجسته یعنی «طلیعه تجدد در شعر فارسی» نوشته دکتر احمد کریمی حکاک، نگاهی تاریخی به مدرنیته دارد و بررسی‌هایش را با نیما خاتمه می‌دهد. دکتر سیروس شمیسا در کتاب مهم «نگاهی به فروغ» مباحثی مانند عروض، واژگان، بن‌مایه‌های شعر فروغ، فروغ و شاعر زنان دیگر، صنایع ادبی و معشوق در شعر فروغ را بحث می‌کند اما موضوع کتاب ارتباطی با مدرنیسم ندارد. همچنین در کتاب «فروغ فرخزاد- شعر زمان ما» نوشته محمد حقوقی هم با معیار «من شخصی» فروغ به بررسی کتاب‌های او می‌پردازد و در دو فصل، «جوانب کار» و «شعرهای برگزیده» فروغ را می‌شکافد، اما موضوع، مباحث ادبی است و مبحث مدرنیسم، مطلقاً منظور نویسنده نیست.

ارجاعات فلسفی آن، محتوای اندیشگی و نه فلسفی دارد.

یک کتاب جدی و مهم درباره اندیشه و بینش شاملو «سرود بی‌قراری» از دکتر علی شریعت کاشانی است. نویسنده «اصطلاح «جهان‌بینی انسانیت مدار» را برای شاملو و نیز نیما و فروغ برارنده می‌داند و در بحث‌های مربوطه مصادیق آن مقوله‌ها را در شعرها به میان می‌آورد، اما در این بررسی‌ها معیارهای یک دستگاه نظری مدرنیستی بحث نمی‌شود و ارتباطشان با نظریه‌های معین به میان نمی‌آید و اساساً نوشته، فاقد طرح مفهومی و معیار مدرنیستی است.

در کتاب‌های «شعر زمان ما- احمد شاملو» از محمد حقوقی و «بامدادی دیگر» از ضیاءالدین ترابی، با مباحث زبانی و بلاغی روبرو هستیم، کتاب «شاملو و عالم معنا» از دکتر محمد بقایی (ماکان)، دارای مباحث تمهید، خدا و جهان هستی، خویشتن آدمی، تقدیرگرایی، ارزش‌های انسانی، مفاهیم مجرد و... است اما این مقولات در چارچوب نظریه ادبی و یا مدرنیسم بحث نمی‌شوند و ارتباط آن‌ها با مدرنیسم مشخص نیست و در اساس این کتاب نیز بدون طرح مفهومی و نظریه است و لذا ارتباطی به مدرنیسم پیدا نمی‌کند.

کتاب عبدالعلی دستغیب، «نقد آثار احمد شاملو» به مباحثی چون نظر شاملو نسبت به شعر قدیم و وزن، قافیه شعر، عشق، فلسفیدن شاعرانه و مسائل اجتماعی و سیاسی شعر شاملو می‌پردازد، لیکن این نقدها درونی است یعنی به توانایی یا ناتوانی شاعر در توصیف آن امور می‌پردازد و هیچ‌گونه بررسی مدرنیستی مطرح نمی‌شود.

همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «جلوه‌هایی از مدرنیسم در شعر فروغ، شاملو و سپهری» از زهرا عبدی از دانشگاه علامه طباطبایی موجود است که باز در این تحقیق فهرست مفصل و تمایز ویژگی‌های برجسته مدرنیسم را شاهد نیستیم.

«فروغی دیگر» نوشته ضیاءالدین ترابی، به مسائل صنایع ادبی و عروض و زبان و ساخت شعر فروغ می‌پردازد و باز هم منظر کتاب غیر از مباحث مدرنیسم است، البته اشاره‌ای گذرا به نقد مدرنیسم در شعر «دلم برای باغچه می‌سوزد» می‌شود اما این گفت‌وگویی است درباره فروغ و خارج از مباحث اصلی کتاب.

احمد شاملو «از شعرای برجسته نسل خویش است و معدلتی دارد در حدود سپهری و اخوان و فروغ... آنچه او معنا» به شعر فارسی داده است، گسترش بی‌نهایت اندیشه اومانیستی^۵ است... اگر از کتاب «آهنگ‌های فراموش شده» بگذریم، تقریباً شعر مبتذل در بساط او به دشواری می‌توان یافت... در کنار این (مسائل)، گرفتن صبغه ایرانی و شرقی است از شعر فارسی که آن را تبدیل به یک نمونه کامل شعر فرنگی کرده است» (شفیعی کدکنی ۱۳۹۰، ۵۳۰).

«سفر در مه» نوشته دکتر تقی پورنامداریان، جنبه‌های ادبی صنایع شعر شاملو را بررسی می‌کند مانند عاطفه، تخیل، زبان و جنبه‌های بلاغی، موسیقی و شعر.

از شاملو شناس ع. پاشایی کتاب‌های «انگشت و ماه» و «از زخم قلب...» با محوریت طرح‌های خواننده محور خوانش شعر نوشته شده‌اند بدون استناد به نظریه و لذا ارتباطی با توضیح مدرنیستی ندارند.

کتاب نقد شعر معاصر، «امیرزاده‌ی کاشی‌ها» نوشته دکتر پروین سلاجقه، به نوگرایی شاملو از لحاظ تکنیک مانند شیوه «جریان سیال ذهن» و «نمادگرایی» می‌پردازد. البته به طور پراکنده برخی از جنبه‌های محتوایی مدرنیسم مانند «هماهنگی با مردم محروم» و «جسارت در بیان دقایق عشق» (ص ۴۳، ۴۴)، «انسان»، «آزادی»، آمده است، اما این مقولات محتوایی بری از بار نظریه‌ای مشخص هستند و ارتباط آن‌ها با مدرنیسم به بحث نیامده است؛ و نکته مهم‌تر این‌که تمایز فلسفه و اندیشه در این کتاب مطلقاً روشن نشده و عموم

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

جهان مدرن با سه مقوله مدرنیته^۶ (تجدد) - مدرنیزاسیون^۷ (نوسازی) و مدرنیسم (نوگرایی) بررسی می‌شود. مدرنیته را چنین تعریف کرده‌اند: مدرنیته (تجدد)، نوعی شیوه زیستن و تجربه کردن زندگی به شمار می‌آید که از تحولات صنعتی شدن، شهرنشینی و تفکیک حوزه دینی از غیردینی ناشی شده است و مشخصاتش عبارتند از: فروپاشی و اصلاح گری، پراکندگی و تحولات سریع، نا ماندگاری و ناامنی و همراه است با ادراک‌های تازه‌ای از زمان و مکان: سرعت، تحرک، ارتباطات، سفر، دینامیسم^۸، آشوب و دگرگونی فرهنگی. (چاپلدرز ۱۳۸۳، ۲۸) در این نوع زندگی، عقلانیت در همه حوزه‌ها اعم از اقتصاد و سیاست، روابط اجتماعی، علوم نظری و عملی به عنوان معیار قاطع کار می‌کند و با رشد فن‌آوری، سازمان‌ها و ساختارهای نیرومند در تمامی عرصه‌های حیات مادی و معنوی، شکل‌گرفته و حضور و سلطه آهین خود را بر جامعه و فرد تحمیل می‌کنند.

پس زندگی مدرن، گردابی است که انواع تناقض‌ها و زشتی‌ها و زیبایی‌ها را در خود دارد و همین گرداب را مدرنیزاسیون (نوسازی) تعریف کرده‌اند که از سرچشمه‌های زیر تغذیه می‌کند: (برمن ۱۳۸۰، ۴۲۴)

- کشفیات بزرگ در قلمرو علوم فیزیکی
- صنعتی شدن تولید
- افت‌وخیزهای عظیم در شمار و ترکیب جمعیت
- رشد سریع مناطق شهری
- نظام‌های ارتباط جمعی که وحدت بخش تمامی جوامع و اقوام جهانی است
- دولت‌های ملی با ساختار و عملکرد بوروکراتیک
- جنبش‌های اجتماعی مردم و اقوامی که حاکمان سیاسی و اقتصادی خویش را به مبارزه می‌طلبند

- و سرانجام بازار جهانی سرمایه‌داری که همچون سیلابی همه مردمان و نهادها را با خود می‌برد و به پیش می‌راند.

درباره رابطه ادبیات با جامعه، دیدگاه‌های گوناگون مطرح شده است. رنه ولک از متفکرین فرمالیست‌های روسی است که کتاب معروف او نظریه ادبیات امروزه از کتاب‌های کلاسیک نقد ادبی محسوب می‌شود. (شمیسا ۱۳۸۰، ۱۵۲) به‌زعم این صاحب‌نظر، ادبیات نهادی اجتماعی است که به دیگر نهادهای اجتماعی گره خورده ولی مبتنی بر آنها نیست.

نویسنده هم از جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن اثر می‌گذارد. هنر تنها از زندگی نسخه‌برداری نمی‌کند بلکه به آن شکل می‌دهد. به احتمال قوی، جوانان سریع‌تر و شدیدتر تحت تأثیر خواننده‌ها قرار می‌گیرند. همچنین کسانی که کتاب کمتر خوانده‌اند نسبت به کتاب‌خوانان حرفه‌ای، خواننده هایشان را سخت جدی‌تر می‌گیرند. (ولک ۱۳۷۳، ۱۰۹)

همواره رابطه بین ادبیات و فلسفه و افکار، محل مناقشه و اختلاف نظر بوده است. غالباً به ادبیات چنین نگریسته شده که باید از پس «شکل» آن، محتوای فلسفی و اندیشگی‌اش بیرون کشیده شود تا افکار عمده پوشیده، آشکار گردد.

در رابطه ادبیات و زندگی‌نامه آنچه می‌توان مطرح نمود توضیح اثر ادبی برحسب شخصیت و زندگی نویسنده، از جا افتاده‌ترین روش‌های تحقیق ادبی بوده است و در این روش فرض می‌شود که اثر ادبی، مستقیماً بیانگر فکر و شخصیت و زندگی خالق آن است. «اما رابطه بین زندگی خصوصی و اثر هنری، رابطه ساده علت و معلول نیست و نمی‌توان افکار، احساسات، نظریه‌ها، فضایل و رذایل قهرمانان را به آفرینندگانشان نسبت داد». (ولک ۱۳۷۳، ۷۶)

در تحقیق ادبی آنچه از روانشناسی منظور می‌شود همانا مطالعه سنخ‌ها و قوانین روان‌شناختی موجود در

مانند استقرار، قیاس، تحلیل، ترکیب و مقایسه، بین انواع دانش نظام یافته مشترکند.» (ولک ۱۳۷۳، ۵)

در شعر، مدرنیسم از اساس شعر پیشین یعنی اوزان ضربی می‌گسلد و به شعر آزاد، سمبولیسم^۱ و دیگر فرم‌ها رو می‌آورد. مدرنیسم در هنر بین‌المللی شامل بسیاری از جنبش‌ها و سبک‌های پیشرو می‌شود از جمله فرمالیسم^۱، ایماژیسم^۲، سوررئالیسم^۳، امپرسیونیسم^۴ (چایلدز ۱۳۸۳، ۲۷).

مدرنیسم از لحاظ ژانر با نوآوری و ابداع همراه بوده است و جنبه‌های نمونه و از این نوع نگارش عبارتند از:

- زیباشناسی رادیکال
- تجربه فنی
- انعکاس‌های خودآگاه
- شک نسبت به تفکر سوژه‌ی مرکزی انسانی
- کنجکاوی مداوم درباره عدم تعیین واقعیت
- از منظری دیگر مدل مدرنیسم را با چنین ویژگی‌هایی معرفی کرده‌اند:
- مدرنیسم از جریان ضد تاریخ‌گرایی طرفداری می‌کند زیرا حقیقت جنبه تکاملی و پیش‌رونده ندارد، بلکه باید تحلیلش کرد.
- مدرنیسم نه بر جهان کلان، بلکه بر جهان خرد تأکید می‌کند و لذا جنبه فردی را برتر از جنبه اجتماعی می‌داند.
- مدرنیسم جنبه خود ارجاعی دارد و متن‌هایش کمتر بازنمایانه هستند.
- گرایش مدرنیسم به گسست و تجزیه و ناهماهنگی است.
- به نظر مدرنیسم موجودیت شیء به واسطه کارکرد آن است.
- هنر مدرنیستی بغرنج و دشوار و لذا نخبه‌گراست و از همین ویژگی مدرنیسم، مخالفین آن مانند نو محافظه‌کاران، انتقاد می‌کنند که هنر مدرنیسم به

آثار ادبی است. (ولک ۱۳۷۳، ۸۲) همچنان که در رابطه زندگی‌نامه و اثر ادبی دیده می‌شود در این مرحله نیز برخی از مطالعه شعر و اثر هنری و ادبی، به روانشناسی نویسنده به عنوان فرد یا نوع می‌پردازند. مثلاً ادیبی معاصر نظر داده که «از مجموعه اطلاعات موجود درباره مولانا می‌توان احتمال داد که او یا ^۹hypertimic یا bipolar (دو قطبی) بوده» است. (حمیدیان ۱۳۹۰، ۸۵) (DSM-5TM, 2013: 123-132).

درباره مسئله روانشناسی در آثار ادبی می‌توان گفت که گاهی یک نظریه روان‌شناختی که آگاهانه یا ناآگاهانه، مقبول نویسنده هم هست، با چهره یا وضعیتی، منطبق می‌شود. پروست محققاً درباره حافظه، نظریه کاملی خاص خود داشته که حتی برای سازماندهی به اثرش مهم بوده است. داستان‌نویسانی چون کونراد ایکن و والدو فرانک کاملاً آگاهانه از روانکاوی فروید استفاده کرده‌اند.

آنچه در نقد ادبی روان‌شناختی اهمیت دارد یافتن شباهت‌ها و برخورد میان ساختارهای روایی و ساختار روانی اثر است.

درباره ادبیات و تحقیق ادبی می‌توان مطرح نمود که تحقیق ادبی شاخه‌ای از دانش انسانی است که به چگونگی بررسی اندیشمندان هنر و هر ادبی می‌پردازد. یک راه، روش‌های علوم طبیعی است، کوشش برای تحقق هدف‌های کلی علمی مانند عینیت، بی‌طرفی و یقین، از طریق گردآوری بی‌طرفانه شواهد. دیگر روش، بررسی سرچشمه‌ها و سابقه‌های علمی و ردیابی روابط در طول زمان است یعنی «روش تکوینی». همچنین بهره‌گیری از روش‌های کمی هم در تحقیق ادبی پیشنهاد شده مانند استفاده از آمار، جدول و نمودار.

با این همه روش‌های علوم طبیعی و تحقیقات ادبی در زمینه‌های وسیعی با یکدیگر برخورد می‌کنند و حتی تا اندازه‌ای آمیخته می‌شوند. «روش‌های اساسی

- تمامی از درک توده مردم اجتماع دور افتاده است و پیوندی با اجتماع ندارد چون طبقات متوسط جامعه توان فهم و برقراری رابطه با آن را ندارند. نخبه‌گرایی مدرنیست‌ها را می‌توان واکنشی دانست در برابر روند محو سلطه نخبگان حرفه‌ای و هنری، زیر آنها به نیروی کار مزد بگیر بدل می‌شدند.
- مدرنیست‌ها هنر را عالی‌ترین دستاورد انسانی می‌دانند.
- متن‌های مدرنیستی، غالباً بر فروپاشی شخصی، فکری یا اجتماعی تأکید می‌کنند.
- به‌زعم مدرنیسم، اسطوره و سمبولیسم فراتر از تاریخ هستند.
- در متن‌های مدرنیستی تأکید بر شهر و دفاع از فن‌آوری در عین ترس از آن دیده می‌شود.
- تجربه فنی همراه با نوآوری سبکی از ویژگی‌های مدرنیسم است.
- مدرنیسم، زبان را ابزاری نارسا در ادراک و تشریح جهان می‌داند.
- علم تجربی و عقل‌گرایی مورد نقد مدرنیست‌ها است.
- یک صفت بسیار برجسته مدرنیسم، پرهیز از بازنمایی^{۱۵} مستقیم جامعه و جهان و آشفته کردن شیوه‌های بازنمایی از طریق سمبول و استعاره است. (چایلدز ۱۳۸۳، ۳۴-۳۲)
- نیرو گرفتن و شیوع فلسفه‌های لیبرال سبب رشد فردگرایی و کم اهمیت شمردن منافع جمع و جامعه شد و نویسندگان و هنرمندان مدرنیست هم پرداختن به خود و درون را در مرکز توجه شان قرار دادند. از طرفی جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای، سبب فروپاشی بسیاری از باورها و نهادها شد، کشتارهای جنگ، اعتقاد به شاه و میهن و وطن دوستی را بی اعتبار کرد. با اشتغال زنان در بیرون از خانه، مردسالاری با تهدید مواجه گشت.
- ویرانی‌های عظیم جنگ و عوارض تکنولوژی و جبر مدرنیزاسیون، بی‌ایمانی به ایده‌های تعالی مانند مقام شامخ انسانی و اعتلا را سبب شد و این همه، بدگمانی عمیق و نومیدی مذهبی و نگرشی را به بار آورد. (Ritzer 2011, 40)
- در حقیقت می‌توان مدرنیسم را واکنش نویسندگان و هنرمندان به روند صنعتی شدن، جامعه شهری، جنگ، تحول تکنولوژیک و ایده‌های جدید فلسفی دانست (چایلدز ۱۳۸۳، ۳۵-۳۴).
- به گفته شارل بودلر هنرمند مدرن باید با مردم و زندگی آنان در کوچه و خیابان و به مانند جسمی واحد بشود و از متن جذر و مد جامعه سخن بگوید.
- مدرنیست‌ها در غرب به‌خوبی با فلسفه و اندیشه آشنا هستند و آثار فکورانه‌ای خلق می‌کنند و در نقطه‌ی مقابل آنان شعر معاصر ایران به دلیل نبود اندیشه فلسفی دچار ضعف است. البته در آثار شاملو و فروغ با شعر اندیشه ورزانه‌ای روبرو هستیم یعنی شعرهای فکورانه با محتوای نگاه عمیق به روابط انسانی، مناسبات اجتماعی و نهادهای آن، آزادی، محبت، اسطوره، حیات، نحوه پیدایش آن، آینده بشر و...
- مدرنیسم تحت تأثیر اینشتین، نسبیت در امور و واقعیات را باور دارد.
- پشت پا زدن به سیستم‌های کلان بر ساخته مدرنیزاسیون و فرآیند همگون سازی آنان، از دیگر مختصات مدرنیسم است. همچنین:
- پذیرش و نقد شرایط جدید تولید و مصرف و دیگر تبعات تحولات تکنولوژیک و لذا گرایش‌های متناقض و متضاد ناشی از آمدن نو و محو کهنه...
- قول به ماهیت سیال و بخار گونه امور
- زمان چرخه‌ای و شخصی، نه خطی و روبه‌جلو
- پرداختن به حیات شهری و تحولات تکنولوژیک

مجموعه اشعارشان است. داده‌های پژوهشی در دو بخش محتوا و شکل بررسی شده‌اند. جنبه‌های شکلی مدرنیسم که در شعر فروغ و شاملو مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارتند از: شمول وزن غیر ضربی شعر مانند پایبند نبودن به وزن و قافیه و ردیف و تساوی مصرع‌ها، بکارگیری ریتم در معنی تکرار واژه‌ها و عبارت‌ها و معناها برای ایجاد پژواک نیرومندتر و تأکید بر مفاهیم، نمادها و سمبول، ایماژسیم. جنبه‌های محتوایی مدرنیسم که در شعر فروغ و شاملو مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارتند از: شمول فلسفه و اندیشه، پرداختن به زندگی مردم کلان‌شهر، شهرنشینی و تأثیر تکنولوژی، شک نسبت به حقیقت و مطلقیت، نقد عقل و علم در توانایی آنان برای خوشبخت کردن مردم، نقد سنت، اهمیت عظیم هنر، پیوند هنر و هنرمند با زندگی مردم کوچه و خیابان، فروپاشی شخصی و اجتماعی و فکری، نیهیلیسم^{۱۷}، بدبینی، درون‌نگری ژرف، خود ارجاعی، فردیت و آگریستانس^{۱۸}، جهان ورشکسته.

تحلیل داده‌ها بر اساس «تحلیل مضمونی»^{۱۹} و «تحلیل مقوله‌ای»^{۲۰} (کرپندورف ۱۳۸۳، ۴۲، ۴۱، ۲۹، ۲۸، ۲۷)، (کیوی ۱۳۸۵، ۲۴۰، ۲۳۷)، (بیکر ۱۳۸۶، ۳۲۳، ۳۱۵). به تفکیک کتاب‌های شعر فروغ و شاملو انجام می‌گیرد. از دو کتاب آخر فروغ یعنی «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» مجموعاً شانزده شعر و منظومه بلند بررسی شد. سه کتاب نخست فروغ یعنی «اسیر»، «دیوار» و «عصیان» به این دلیل کنار گذاشته شد که خود فروغ اهمیتی شاعرانه به آن کتاب‌ها نمی‌دهد و شعر جدی‌اش را از «تولد دیگر» به بعد می‌داند. از احمد شاملو هم تعداد ۴۳ قطعه شعر از کتاب‌های زیر انتخاب و بررسی شد: مرثیه‌های خاک، هوای تازه، آیدا در آینه، آیدا: درخت و خنجر و خاطره، ابراهیم در آتش، ترانه‌های کوچک

- تأکید بر زندگی در کلان‌شهرها و عوارض آن مانند تجربه گمنامی، تنهایی در شلوغی جمع (تنهایی عاطفی).

- توجه به فردیت و درون‌نگری ژرف
- بدبینی نسبت به زندگی معاصر و درک جهان به مانند روحی ورشکسته و از حیث فرهنگی تکه‌پاره
- تأکید بر شخصیت به مثابه من‌های متعدد و نقش‌های گوناگون
- توجه به نیروهای غیراخلاقی و عمدتاً ویرانگر یا خودمحور جهان مدرن

- چند چهره بودن و پیش بینی ناپذیری جهان و رفتار انسان

- شکاکیت شخصی
- افزایش پیچیدگی

- نوآوری سبکی و گسستن از اوزان ضربی

- به‌کارگیری استعاره (Metaphor) و مدلول‌های فرار و ایمایی از دال‌های ملموس و واقعی. (Abrams, M.H., 2012:212)

- استفاده از سمبولیسم در مفهوم بیان غیرصریح و دلالت ضمنی از ظاهر به عمق باطن.

- به‌کارگیری ریتم^{۱۶} یا تکرار با واریاسیون. ریتم به معنای کاربرد ساختاری تکرار با واریاسیون است که «مبتنی است بر کلمه‌ها و عبارت‌های تکرار شونده‌ای که پژواک‌ها و معناها را انباشته‌تر می‌کنند. به این ترتیب «ریتم» ناظر است به کاربرد مکرر بیان‌ها، واقعه‌ها، یا شخصیت‌ها به قصد ایجاد تأثیر ضربانی در سیر تکوین تم‌های متن.» (چایلدز ۱۳۸۳، ۲۵۱).

روش پژوهش

این تحقیق به روش تحلیل محتوا است و ابزار گردآوری آن به روش کتابخانه‌ای بوده و جامعه آماری مشتمل بر شعرهای فروغ فرخزاد و احمد شاملو در

غربت، مدایح بی‌صله، باغ آینه، در آستانه، حدیث بی‌قراری ماهان.

در «تحلیل مضمونی» شعرها به روش تصادفی از مجموعه‌ی اشعار انتخاب شدند. ابتدا شعرهای فروغ و سپس شاملو بررسی می‌شوند. ابتدا شعر در بخش‌ها یابندهایی کوتاه آمده و ضمن ارائه مفهوم و دلالت‌ها و نشانه‌های هر بند یا بخش، در پایان شعر، دلایل مشخص محتوایی و شکلی مدرنیستی بیان می‌شود. برای پرهیز از پُرگویی از آوردن تمامی شعر خودداری شده و تنها قسمت‌های معرف و معنادار شعر آمده است، اما شعرهای کوتاه به تمامی ذکر شده‌اند.

در «تحلیل مقوله‌ای» در پایان تحقیق، جدولی با مشخصات هجده‌گانه مدرنیسم اعم از محتوایی و شکلی برای ۱۶ قطعه شعر فروغ و ۴۳ قطعه شعر شاملو ترسیم گشته و درصد هر کدام از مقولات با رجوع به تحلیل مضمونی مستقل هر شعر، علامت‌گذاری شده و سپس بر اساس تحلیل مقوله‌ای، استنتاج کلی داده‌ها انجام گرفته است. در جدولی دیگر، مقولات مدرنیستی شعرهای دو شاعر، مقایسه و تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

در شانزده شعر برگزیده به طریقه تصادفی، سهم «اندیشه» ژرف در شعر فروغ قابل توجه است. (۷۵٪) شعرهای واجد اندیشه شاعرانه درباره موضوعات مهمی مانند معنای زندگی، خوشبختی، روابط زن و مرد، زن سنتی و نو، آرمان اعتلای فردی و جمعی، خشونت و منازعات اجتماعی است. تحمیل‌ها و مشکلات ناشی از «شهرنشینی و تکنولوژی» در نیمی از شعرهای فروغ، برجسته است و نیز «نقد ارکان مدرنیته» مانند سیاست حاکم، استبداد، جنگ و شک نسبت به ایدئولوژی و معتقدات سنتی، در بیش از (۴۳٪) شعرها دیده می‌شود. در بُعد «پیوند با جمعیت» با درصدی

برابر (۲۵٪) روبروئیم که مجموع این دل‌مشغولی‌ها نسبت به زندگی مردم و مشکلات روزمره و توانایی مکتب‌ها و ادیان در سعادت و رهایی بشری، نشان می‌دهند که فروغ به شدت نسبت به زندگی اجتماعی و بشری حساس و اندیشمند است. این تعهد عظیم انسانی البته مستلزم درون‌نگری عمیقی است تا با غور در دقائق حیات فردی و اجتماعی و حقیقت و واقعیت، بتواند آن دل‌مشغولی‌ها را در عالم شعر بازتاب دهد. از همین روست که معیارهای «درون‌نگری» و «خود ارجاعی» در شعرهای فروغ، در بیش از (۸۱٪) موارد موجودند. از طرفی توجه فروغ به عوارض مدرنیته هم جالب است، در سه محور «بدبینی» (۱۲،۵٪)، «فروپاشی شخصی و اجتماعی و فکری» (۳۷،۵٪) و «جهان ورشکسته» (۶،۲۵٪)، مجموعاً با (۴۶٪) شعرها مواجهیم که خبر از آگاهی و ژرف‌نگری فروغ نسبت به گرداب زندگی مدرن - مدرنیزاسیون - می‌دهد. یک نکته مهم، بسامد بسیار بالای شعرهای سمبولیک فروغ است یعنی بیش از (۹۳٪) و همچنین استفاده از ریتم که همین درصد، نشان از علاقه ویژه‌ی فروغ به این مشخصه سبکی دارد. تنها از یک شعر فروغ یعنی «مرداب»، می‌توان برداشتی فلسفی کرد که بیانگر ضعف فلسفی اندیشی شاعر است. یک نکته جالب توجه، نبود شعر ایماژیستی در اشعار برگزیده فروغ است که شاید با در نظر گرفتن درصد بالای ریتم به کار رفته در شعرهایش (بیش از ۹۳٪) بتوان توجیه منطقی منظور کرد یعنی چون از تکرار واژگان و معنی‌ها به فراوانی استفاده شده لذا عنصر ایماژ یا ایجاز گویی به چشم نمی‌خورد.

مولفه «شکاکیت» را در بیش از (۱۸٪) شعرهای فروغ شاهدیم و با افزودن مولفه «بدبینی»، حدود یک سوم شعرهای فروغ در باب تعمق و بدگمانی عمیق نسبت به ایدئولوژی‌ها، باورهای حاکم و وعده‌های عدالت‌خواهانه و حقیقت‌جویانه خواهد بود.

جدول ۱: بررسی ویژگی‌های مدرنیسم در اشعار فروغ

اشعار/ویژگی‌ها	اندیشه	فلسفه	شهرنشینی و تکنولوژی	فردیت و اکزیستانس	ببینی	فروپاشی فردی و جهان ورشکسته	نیهایسم	شکاکیت	ایماژیسم	پیوند با جمعیت	ریتم	نسبت	درون‌نگری	سیالیت امور	خود ارجاعی	سمبولیسم	نقد ارکان مدرنیته
۱- آن روزها	*			*							*	*	*			*	*
۲- جمعه	*	*	*	*							*	*	*				
۳- عروسک کوکی	*					*					*					*	
۴- مرداب		*		*							*	*	*			*	
۵- آیه‌های زمینی	*					*				*	*					*	
۶- دیدار در شب			*	*		*				*	*	*	*		*	*	*
۷- وهم سبز			*	*		*		*		*	*	*	*		*	*	*
۸- فتح باغ	*					*				*	*					*	
۹- به علی گفت مادرش روزی...	*	*	*	*		*				*	*		*		*	*	*
۱۰- تولدی دیگر	*					*		*	*	*	*		*		*	*	*
۱۱- به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد	*			*							*	*	*		*	*	*
۱۲- ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد	*							*			*	*	*		*	*	*
۱۳- بعد از تو	*			*		*				*	*		*		*	*	*
۱۴- دلم برای باغچه می‌سوزد	*			*		*		*		*	*		*		*	*	*
۱۵- کسی که مثل هیچ کس نیست	*		*	*		*		*		*	*		*		*	*	*
۱۶- تنها صداست که می‌ماند	x	x									x	x	x	x	x	x	x
جمع	۱۱	۱	۸	۵	۲	۶	۱	۳	-	۴	۱۵	-	۹	۱	۴	۱۵	۷
درصد	۶۸٫۷۵٪	۶٫۲۵٪	۵۰٪	۳۱٫۲۵٪	۱۲٫۵٪	۳۷٫۵٪	۶٫۲۵٪	۱۸٫۷۵٪	-	۲۵٪	۹۳٫۷۵٪	-	۵۶٫۲۵٪	۶٫۲۵٪	۲۵٪	۹۳٫۷۵٪	۴۳٫۷۵٪

نیرومند اندیشه برخوردارند. در بُعد پردازش به «شهرنشینی و تکنولوژی» و «نقد ارکان مدرنیته» مانند عقل‌گرایی و عدالت و اخلاق و پیوند با زندگی مردم کوچه و خیابان، شاملو برخوردار جدی با بسامدی بالا دارد (بیش از ۴۳٪)؛ و این نشان از هنر متعهد و انسان دوستی این شاعر دارد. این تعهد و مردم دوستی شاملو مهم‌تر می‌نماید هنگامی که در نظر بگیریم که از پیوند شاعر با زندگی مردم کوچه و خیابان است که اندیشه و جهان‌بینی شاملو شکل می‌گیرد. البته این رابطه را نباید

در چهل و سه شعر برگزیده به طریقه تصادفی، شعرهای با بار و مضمون فلسفی بسیار اندک شمار و حدود (۴،۶٪) است و این دلیلی است به نفع ادعای متفکرینی مانند ضیاء موحد مبنی بر اینکه آشنایی هنرمندان و نویسندگان ایرانی با فلسفه، در حد بسیار ضعیف است؛ اما در مقابل، عنصر «اندیشه» یعنی نگرش غیر منسجم و بدون «تفکر مفهومی» نسبت به جهان و انسان، از بار نسبتاً بالایی برخوردار است یعنی (۵۸٪) شعرهای برگزیده شاملو از عنصر کمابیش

این سه مقوله همانند (توجه به فردیت، درون‌نگری و خود ارجاعی) در مجموع در نظر گرفته شوند معلوم می‌شود که شاعر در (۴۶٪) اوقات شعری‌اش، توجه ژرف به درون دارد. همراهی درون‌نگری و فردیت تنها در (۴،۵٪) موارد دیده می‌شود و از این گذشته در چهار مورد توجه فردیت (۹،۳٪) مقوله اگزستانسیالیسم یعنی تأکید بر ویژگی و نه قوانین عام حاکم بر جمع و جامعه برجستگی دارد. بسامد بالای شعرهای اجتماعی (شهرنشینی، بدبینی، فروپاشی، شکاکیت، پیوند با جمعیت و نقد ارکان مدرنیته) - مجموعاً بیش از (۸۸٪) - نشان می‌دهد که شاملو شاعری با تعهد اجتماعی بسیار نیرومند و تمام عمری است.

نیهیلیسم یکی از ویژگی‌های مهم مدرنیسم است و منظور از آن مقبولیت اخلاقی رفتار بر اساس قیمت و ارزش اقتصادی است و باور به این‌که هر چیزی سودآور باشد بقا می‌یابد. در توصیفی دیگر از نیهیلیسم مدرن که آن را خصوصیت و معرف مدرنیسم دانسته‌اند چنین آمده که «اول شکوه توان و پویایی مدرن و دوم، اثرات تخریبی فروپاشیدن و نیهیلیسم مدرن و نزدیکی عجیب میان آن دو: احساس گرفتار شدن در گردابی که در آن امور واقع و ارزش‌ها می‌چرخند و منفجر و تجزیه و دوباره ترکیب می‌شوند، شکی عمیق در مورد آنچه اساسی و ارزشمند و حتی واقعی است.» با این ویژگی‌های اکید، نیهیلیسم تنها یک‌بار در شعرهای برگزیده دیده شده است (یعنی ۲،۳٪). با چنین توصیفی از نیهیلیسم مدرن، جنبه‌ای ایجابی برای آن منظور شده یعنی رفتار بر مبنای سود و بازار و سازندگی و سپس ویران کردن که در اینجا هم اصل مسئله سود بیشتر است و بس. همچنان که اشاره خواهد شد مثلاً در پایان‌نامه «جلوه‌ای از مدرنیسم در اشعار فروغ، شاملو و سپهری» از زهرا عبدی نیهیلیسم را در معنی پست انگاری و پوچی و نومیدی گرفته و

علت و معلولی دانست اما به هر روی تأثیر متقابل تفکر و تعهد، در برابر جنبش‌ها و حیات اجتماعی، مشهود است. اگر مقولات دیگر مدرنیته مانند «بدبینی» (۹،۳٪) و «فروپاشی - اعم از شخصی و اجتماعی» (۲۳،۲۵٪) و «شکاکیت نسبت به ارزش‌های حاکم بر جامعه و جهان» (۶،۹۷٪) را به عنوان مسئولیت اجتماعی و تأثیر شاملو از محیط و جهان و سرخوردگی از آرمان‌های مکتب‌ها و ایدئولوژی‌ها منظور بکنیم (۳۹٪)، بازهم پیوند هنرمند با زندگی مردم کوچه و خیابان، نمود بیشتری می‌یابد و نشان می‌دهد که «من» شاعر، «من» اجتماعی و یا بشری است. در «من» اجتماعی، هم سرنوشتان شعر و شاعر، یک جامعه یا یک کشور با یک دین و منطقه است، اما در «من» بشری، شاعر، تمامی بشریت را منظور دارد و از نگرانی‌ها و مسائل و آرمان‌های تمامی بشر سخن به میان می‌آورد. حتی در شعرهای با تأکید بر فردیت (۹،۳٪) و درون‌نگری (۲۳،۲۵٪) و خود ارجاعی (۱۳،۹۵٪)، شاعر با بیزاری از ارزش‌های ظالمانه و تحمیلی و سرکوب، به درون پناه می‌برد و متوسل به عالم هنر (شعر) می‌شود تا از مکر زمانه و غدر جباران، بیاساید و با بازسازی هنر خویش به مقابله با کژی‌ها بپردازد. این دسته از ویژگی‌های شعر مدرن (فردیت، درون‌نگری و خود ارجاعی) مجموعاً بیش از (۴۶٪) را در بر می‌گیرد. مقوله درون‌نگری به معنای توجه به خود، درصد نسبتاً بالایی را بر می‌سازد (۲۳،۲۵٪) و در این درون‌نگری است که نقد خود، رابطه با واقعیات اجتماعی و نیز آرمان‌های شخصی و جمعی و تاریخی، به صورتی مفهومی برای شاعر میسر می‌گردد. در یک پژوهش جامعه‌شناسی، مشخص شده که عموم مردم تنها (۸٪) اوقات روزانه‌شان را به درون‌نگری اختصاص می‌دهند، یعنی در (۹۲٪) اوقات، توجه شان به روزمرگی و حوادث لحظه‌ای است و لذا «درون‌نگری» (۲۳٪) شاملو، خبر از خبرگی و نقد درون می‌دهد. به ویژه اگر

لذا شعرهای بسیاری را با این مفهوم، تحت مقوله نیهیلیسم آورده است، اما آن چنانکه از ویژگی‌های مدرنیسم برمی‌آید، این صفات، ذیل مقولات تنهایی، فروپاشی (اعم از فردی و اجتماعی و فکری)، نومییدی، گسست و...گویاتر و معنی‌دارترند. پیداست که آشنایی بامعنای مدرن نیهیلیسم، مستلزم اشراف عمیق نسبت به مدرنیسم و فلسفه مدرن است و گفته شد که هم شاملو و هم فروغ به مانند عموم هنرمندان ایرانی معاصر، از دانش بسیار کم فلسفی، جامعه‌شناسی و نقد ادبی برخوردارند و لذا نباید انتظار داشت که مقوله‌ای مانند نیهیلیسم مدرن با همان خصوصیات معرف مدرنیسم در شعرهای این هنرمندان نمود پیدا کند.

جدول ۲: بررسی ویژگی‌های مدرنیسم در اشعار شاملو

اشعار/ویژگی‌ها	اندیشه	فلسفه	شهرنشینی و تکولوژی	فردیت و اگزیستانس	بپنی	فروپاشی فردی و	جهان‌ورزشکسته	نیهیلیسم	شکاکین	ایرازیسم	پولند با جهمین	ریتم	سین	درون‌نگری	سیالیت امور	خود ارجاعی	سمبولیسم	نقد ارکان مدرنیته
۱-راز																		
۲-سرگذشت																		
۳-افق روشن																		
۴-زمین																		
۵-آشتی																		
۶-شبانہ ۳																		
۷-شبانہ ۴																		
۸-شبانہ ۵																		
۹-شبانہ ۷																		
۱۰-لوح																		
۱۱-محاق																		
۱۲-به ایران درودی																		
۱۳-بچه‌های اعماق																		
۱۴-هجراتی شب ایرانشهر																		
۱۵-آخر بازی																		
۱۶-خطابه آسان																		
۱۷-میان کتابها گشتم																		
۱۸-بهتان مگو																		
۱۹-سپیده دم																		
۲۰-ترانه اشک و آفتاب																		
۲۱-جانی پر از زخم																		
۲۲-چشم‌های دیوار																		
۲۳-شیشه و سُمضربه																		
۲۴-سر به سر سر تا سر																		

اشعار/ویژگی‌ها	اندیشه	فلسفه	شهرنشینی و تکنولوژی	فردیت و آگزیستانس	بدینی	فروپاشی فردی و جهان ورشکسته	نهیلم	شکاکیت	ایماژیسم	پیوند یا جمعیت	ریم	نسبیت	درون‌نگری	سیالیت امور	خود ارجاعی	سمبولیسم	نقد ارکان مدرنیته	
۲۵- the day after	×																×	
۲۶- سرود ششم	×			×														
۲۷- به دکتر جهانگیر		×						×										
۲۸- کز مژ و بی انتها	×																	
۲۹- طرح	×								×							×		
۳۰- نگاه کن	×		×							×	×							
۳۱- بهار دیگر						×				×	×							
۳۲- کی بود، چگونه بود	×			×									×					
۳۳- خلاصه احوال	×								×								×	
۳۴- بر کدام جنازه می‌گرید	×									×								
۳۵- نه عادلانه و نه زیبا		×							×									
۳۶- جوشان از خشم	×																×	
۳۷- در پیچیده به خویش						×											×	
۳۸- ما فریاد می‌زدیم چراغ	×																×	
۳۹- شبانه	×									×	×						×	
۴۰- شام گاهی						×												
۴۱- پشت دیوار					×													
۴۲- آغاز					×													
۴۳- جاده‌ی آن‌سوی پل	×																×	
جمع	۲۵	۲	۳	۴	۴	۱۰	-	۱	۳	۹	۹	۱۹	-	۱۰	۶	۸	۷	
درصد	٪۵۸	٪۴٫۶۵	٪۶٫۹۷	٪۹٫۲	٪۹٫۲	٪۳۳٫۲۵	-	٪۲٫۳۲	٪۶٫۹۷	٪۲۰٫۹	٪۲۰٫۹	٪۴۴٫۱۸	-	٪۳۳٫۲۵	-	٪۱۳٫۹۵	٪۱۸٫۶	٪۱۶٫۲۷

برمی‌خوریم. در برابر (۲۰٪) شعرهای ایماژیستی شاملو، شعرهای برگزیده فروغ عاری از نوع ایماژیستی است که می‌توان آن را به دلیل استفاده‌ی بسیار بالای فروغ (۹۳٪) از تکرارهای ریم دانست. مولفه «بدینی» در شعرهای فروغ، اندکی بیشتر از شاملوست اما نکته جالب توجه این است که نزد هر دو شاعر برخلاف تصور عام و حتی نظر غیر مستند منتقدین، این بسامد بالا نیست (فروغ ۱۲٫۵٪ و شاملو ۹٫۳٪). البته هر دو

در مقایسه درصد ویژگی‌های مدرنیسم در اشعار این دو شاعر می‌توان گفت که شعرهای اندیشمندانه فروغ بیشتر از شاملوست، اما البته نزد هر دو شاعر، شعرهای فرهیخته معنایی و اندیشمندانه درصد بالایی را تشکیل می‌دهد. گرایش فروغ به استفاده از سمبول و ریم (Baldick 200, 334) بسیار بیشتر از شاملوست به طوری که پنج برابر شاملو از سمبول بهره گرفته و در به‌کارگیری ریم هم به بیش از دو برابر شاملو

«جوشان از خشم» و «the day after» واجد اندیشه عمیق ضد جنگ و عوارض مهلک و مسخ کننده آن است. در شعر «آخر بازی»، «بچه‌های اعماق» و «زمین» نیز اندیشه فکورانه نسبت به فشارها و سرکوب‌های دولت‌های استبدادی به آزادیخواهان و مردم، بیان شده است. در شعر «بر کدام جنازه می‌گرید» با نقد موسیقی سنتی و عقب‌ماندگی آن از تغییرات زندگی شهرنشینی صنعتی ایران معاصر روبرو هستیم. شعرهای واجد اندیشه بلند، درصد بالایی را در آثار شاملو تشکیل می‌دهد یعنی بیش از (۵۸٪). البته شعر قدیم ایران تا زمان جامی در قرن نهم، بسیار فلسفی‌تر و اندیشمندانه‌تر بوده، اما اندیشه شاعر معاصر، راجع به اثرها و عوارض صنعت و پسا صنعت و فروپاشی فکری و اجتماعی و فردی حاصل از آن است و همین ویژگی یعنی تأثیر ویرانگر زندگی شهرنشینی در کلان‌شهرها و عواقب تحمیل‌های غیرمستقیم و نهادینه سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی، مقوله «فروپاشی» و «شک» نسبت به ادعاهای مبنی بر خوشبختی و رفاه مدرنیزاسیون را جزو ویژگی‌های مهم مدرنیسم ساخته است. در شعرهای «زمین»، «شبانه ۳ و ۷»، «محاق»، «در پیچیده به خویش جنین وار» و در کل بیش از (۲۳٪) شعرهای شاملو با این مقوله مواجهیم.

شاعر در نگاه به اوضاع جامعه و جهان و زندگی اجتماعی مردم در بند سازمان‌ها و حکومت‌ها و ساختارها، واقع‌بین هستند و سیطره آنان را با انواع تمهیدها، درک می‌کنند و از همین روست که در بسامد بالایی از شعرهایشان به فروپاشی و عوارض مدرنیزاسیون می‌پردازند. این نسبت در شعر فروغ حدود (۸۰٪) و نزد شاملو (۴۰٪) است. در کل می‌توان گفت به لحاظ محورهایی مانند «فردیت»، «خود ارجاعی» و «شکاکیت»، شعر فروغ بهره مدرنیستی بیشتری دارد. هیچ‌کدام از دو شاعر مدرن، فلسفی اندیش نیستند، با توجه به این‌که در قله شعر نو ایران جای دارند، ضعف دانش فلسفی نزد شاعران ما چشمگیر و هشدار دهنده است. هر دو شاعر تعهد اجتماعی و انسانی نیرومندی را در شعرهایشان نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری

در شعر شاملو شاهد اندیشه‌های عمیق درباره‌ی سرنوشت مردم در جوامع صنعتی هستیم؛ و گفته شد که عنصر بسیار مهم در مدرنیسم، همانا آشنایی عمیق مدرنیست‌های غربی با فلسفه و اندیشه است، کما اینکه البوت شاعر بزرگ آمریکایی مدرنیست، فلسفه دان و دانش‌آموخته فلسفه بود. «شعر افق روشن»

جدول ۳: مقایسه اشعار فروغ و شاملو به لحاظ درصد ویژگی‌های مدرنیسم

شاعران/ویژگی‌ها	فروغ	شاملو
اندیشه	۶۸٫۷۵٪	۵۸٪
فلسفه	۶۰٫۲۵٪	۴۰٫۶۵٪
شهرنشینی و تکنولوژی	۵۰٪	۶۰٫۹۷٪
فردیت و آگزیستانس	۳۱٫۲۵٪	۹٫۳٪
بذیعی	۱۲٫۲۵٪	۹٫۳٪
فروپاشی فردی و اجتماعی	۳۷٫۵٪	۲۳٫۲۵٪
جهان‌ورزشکته	۶۰٫۲۵٪	-
نهیلیسم	-	۲۰٫۳۲٪
شکاکیت	۱۸٫۷۵٪	۶۰٫۹۷٪
ایمان‌گرایی	-	۲۰٫۹٪
پیوند با جمعیت	۲۵٪	۲۰٫۹٪
ریم	۹۳٫۷۵٪	۴۴٫۱۸٪
سینت	-	-
درون‌نگری	۵۶٫۲۵٪	۳۳٫۲۵٪
سیالیت امور	۶۰٫۲۵٪	-
خود ارجاعی	۲۵٪	۱۳٫۹۵٪
سمبولیسم	۹۳٫۷۵٪	۱۸٫۶٪
نقد ارکان مدرنیته	۴۳٫۷۵٪	۱۶٫۲۷٪

اعتلای بشری و مفاهیم صلح و آزادی دارند. در شعرهای شاملو در ۱۶ درصد موارد، با «بدبینی» و «شکاکیت» روبرو هستیم و اگر «فروپاشی» و «نیپیلیسم مدرن» و «نقد ارکان مدرنیته» را بیفزاییم مجموعاً بیش از (۵۷٪) با شک عمیق مواجه خواهیم بود. این نسبت در شعر فروغ بیش از (۹۳،۵٪) است.

«نقد ارکان مدرنیته» مانند عقل و علم و سیاست از محورهای محتوایی مهم در شعرهای شاملوست، مثلاً در شعر «جوشان از خشم».

یک مقوله بسیار مهم و معرف مدرنیسم، «نیپیلیسم» مدرن است که طبق تعریف، عبارت است از رفتار و معیار رفتار بر اساس سوددهی و نیز پویایی و سازندگی و در عین حال تخریب ساخته‌های مادی و فکری و سازمانی به منظور سود بیشتر. در شعر شاملو مستقیم و یا سمبولیک، به موارد نیپیلیسم مدرن اشاره رفته است؛ مثلاً در شعر «خلاصه احوال».

مدرنیسم گرایش به تجزیه و ناهماهنگی و فروپاشی اجتماعی، فکری یا شخصی دارد که در شعرهای شاملو این ویژگی حدود (۲۳٪) را تشکیل می‌دهد؛ مثلاً در شعر «در پیچیده به خود جنین وار» با این مقوله مواجهیم. این‌ها جنبه محتوایی مدرنیسم در شعر شاملو را تشکیل می‌دهند و اما از حیث شکلی، شعر نو با گسستن از اوزان ضربی و نوآوری سبکی کارش را آغاز می‌کند. از این جهت شاملو با شعرهای سپیدش که ظاهراً اولین و آخرین شاعر موفق این سبک است، تحول و نوآوری در شعر ایجاد کرده است. این شعر خود را از وزن و قافیه و تساوی مصرع‌ها رها ساخته و موسیقی خاص خویش را دارد.

مشخصه دیگر شکلی شعر مدرن، «ریتیم» یا به‌کارگیری تکرار واژه‌ها، معناها و دلالت‌هاست برای ایجاد تأثیر ضربانی و افزایش پژواک مفهومی. در بیش از (۴۴٪) شعرهای شاملو ریتیم واژگان یا معنایی به کار

از خصوصیات برجسته مدرنیسم و به گفته نخستین مدرنیست یعنی بودلر فرانسوی، هنرمند مدرن کسی است که با زندگی مردم کوچه و خیابان مزدوج می‌شود و خانه‌اش را در دل شلوغی جمعیت کلان‌شهر برپا می‌سازد. هنرمند مدرن به عبارتی عاشق زندگی مردم است. بازهم شاملو در این بُعد یعنی «پیوند با زندگی مردم کوچه و خیابان» شاعری است مردمی و متعهد به خوشبختی و دردهای مردم که تحت تحمیل‌ها و قوانین آشکار و پنهان سازمان‌های اقتصادی-اجتماعی، زندگی می‌کنند. این مقوله به همراه شعرهای مربوط به شهرنشینی و تأثیرات تکنولوژی در بیش از (۲۷٪) شعرهای شاملو دیده می‌شود مانند شعرهای «سرگذشت»، «به ایران درودی»، «آخر بازی»، «نگاه کن» و «بهار دیگر».

«نقد سنت» در شعرهای شاملو برجستگی دارد مثلاً نقد موسیقی سنتی در شعر «بر کدام جنازه می‌گریذ؟» و همچنین نقد سرکوب و استبداد را در شعر «سال بد، سال باد» می‌توان دریافت.

مدرنیسم توجه ویژه‌ای به «فردیت» و «درون‌نگری» دارد و در شعرهای شاملو گذر از من فردی و درون‌نگری به من اجتماعی و بشری به فراوانی دیده می‌شود و حدود (۲۳٪) است.

«خود ارجاعی»-دیگر محور شعرهای شاملو- در معنای بازنمایی غیرمستقیم و سمبولیک و ارجاع به زاویه نگرش فردی، حدود (۱۴٪) است و در شعرهایی مانند «راز»، «میان کتاب‌ها گشتم»، «چشم‌های دیوار» و نیز «شبهه و سُمضربه» و «کی بود و چگونه بود» به این مقولات ویژه مدرنیسم برمی‌خوریم.

برخلاف اندیشه باستان و عرفان که مطلق‌گرا بودند مدرنیست‌ها هم از حیث دیدگاه و هم تحت تأثیر ویرانی‌های جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای و یکه‌تازی‌های سازمان‌های به شدت ساختاری شده اقتصادی و سیاسی، شکی عمیق نسبت به حقیقت و

می‌کند. شاملو در شعرهای «گل کو»، «کاج»، «بیمار» و «مرغ باران» پیرو سبک نیماست اما از «باغ آینه» به بعد «شعر سپید» را به عنوان سبک شخصی‌اش بر می‌گزیند. - زبان شعر شاملو زبانی است کاملاً روزمره و در عین حال فرهیخته و والا. زبانی است ساده که اهل زبان با آن صحبت می‌کنند. - آزمایش نوعی وزن غیر عروضی که مخصوص شاملو است:

همه برگ بهار در سرانگشتان توست
هوای گسترده در نقره انگشتانت می‌سوزد
و زلالی بامدادان از باران و خورشید سیراب
می‌شود.

- شعر عاشقانه که از تجربیات ملموس و محسوس دو آدم صحبت می‌کند.

- ریتم

- سمبولیسم

- ایماژیسم

با این ترتیب، روشن می‌شود که شعر شاملو هم از جنبه محتوایی و هم شکلی مدرن به حساب می‌آید. در شعرهای فروغ عنصر «اندیشه» یعنی نگاه عمیق به جهان و انسان و روابط اجتماعی، برجسته است. البته به دلیل آشنا نبودن عموم هنرمندان معاصر ایرانی اعم از نویسندگان و شاعران و رمان‌نویسان، به فلسفه، نگاه فلسفی در شعر فروغ وجود ندارد و به ندرت می‌توان از برخی شعرها برداشت فلسفی کرد. کما اینکه در شانزده شعر برگزیده، تنها با یک مورد اندیشه فلسفی روبرو هستیم، اما عنصر اندیشه ژرف فروغ در بسیاری از شعرهایش دیده می‌شود یعنی در بیش از (۶۸٪) و این بیانگر عمق نگرش اندیشمندانه فروغ درباره‌ی زندگی، آزادی و رفاه بشر، سرنوشت انسان، زن ستی و زن نو و عوارض مدرنیزاسیون است.

عنصر برجسته دیگر محتوایی مدرنیسم، بازتاب «سمبولیک» و یا بازنمایانه شعری زندگی مردم کوچه و

رفته است از جمله در شعرهای «سرگذشت»، «افق روشن»، «شبانه ۴»، «لوح»، «شب ایرانشهر» و...

«ایماژیسم» به معنی پرهیز از کلمات و عبارات تزئینی در شعر است. در این نوع شعر، واژگان دلالت‌های مستقیم بر معنا را نمایندگی می‌کنند و البته شاعر باید از تسلط بالا بر واژه و معنی برخوردار باشد تا از عهده شعر ایماژیستی برآید. بیش از (۲۰٪) از شعرهای مورد بررسی شاملو واجد ویژگی مدرنیستی ایماژیسم است مانند «شبانه ۵»، «میان کتاب‌ها گشتم» و «نه عادلانه و نه زیبا بود جهان». در ایماژیسم تأکید بر بازنمایی دقیق و مشخص و بدون بازی‌های اضافی لفظی و شعرها از وزن است یعنی شعر موجز، درون‌گرا، متفکرانه و تلمیحی که نمونه قدیمی آن را در رباعیات خیام می‌بینیم. با این معیار شعر مدرن، در شعرهای مورد بررسی شاملو ایماژیسم در (۲۰،۹٪) و سمبول در (۱۸،۶٪) موارد به کار گرفته شده است، یعنی مجموعاً (۳۹،۵) درصد؛ مثلاً در شعرهای زیر ایماژیسم آشکار است: «سرگذشت»، «افق روشن»، «شبانه ۳ و ۴ و ۵» و «بچه‌های اعماق». نیز سمبول در شعرهای زیر بکار رفته است: «طرح»، «ما فریاد می‌زدیم چراغ چراغ!»، «شبانه» و «محاق».

در مدرنیسم بخشی در تأکید بر استعاره را می‌توان در استفاده از سمبول‌ها برای ایجاد جلوه تمثیلی یا بازنمایانه مشاهده کرد یعنی بسط این اعتقاد سمبولیست‌ها که هدف هنر نه دلالت صریح، بلکه دلالت ضمنی است و باید واقعیت عالی‌تر پس‌ظواهر را با سمبول‌ها القا کرد. به‌طور کلی اساس سمبول این است که هم دالّ ملموس و واقعی و هم مجموعه‌ای فرّار و ایمایی از مدلول‌ها داشته باشیم.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در شعر شاملو نوآوری سبکی در موارد زیر برجسته است:

- نوعی شعر منثور یا سپید که پس از دور شدن از قالب نیمایی، این سبک را با موفقیت یگانه ابداع

عنوان «نقد ارکان مدرنیته» مانند عقل، علم، جنگ، فزون‌خواهی و مصرف‌گرایی مدرن، بیان شده است و در شعرهای «دیدار در شب»، «فاتح شدم»، «تنها صداست که می‌ماند» و «تولد دیگر» شاهد چنین نقدهای گفتمانی هستیم. این محورها به اضافه «شکاکیت» نسبت به ارکان موعود فلسفه‌ها و علوم درباره‌ی آزادی و خوشبختی و برابری که از عناصر مهم اندیشه مدرنیستی است، همچنین «خود ارجاعی» (در شعرهای «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» و «تنها صداست که می‌ماند») و «سیالیت امور» یا نوعی نسبیّت (مثلاً در شعر «به علی گفت مادرش روزی»)، نشان از محورهای محتوایی اساسی در شعر فروغ دارند.

عنصر «فروپاشی اجتماعی، فکری یا شخصی» از دیگر ویژگی‌های محتوایی مدرنیسم است که در شعرهای «آیه‌های زمینی» و «دلم برای باغچه می‌سوزد»، مشهود است و حدود (۳۷،۵٪) را نشان می‌دهد.

عنصر «نیهیلیسم مدرن» که طبق تعریف، عبارت است از معیار رفتار بر اساس سوددهی و نیز پویایی و سازندگی و در عین حال تخریب ساخته‌های مادی و فکری و سازمانی به‌منظور سود بیشتر، در شعر «تولد دیگر» به شکل سمبولیک به آن اشاره شده است.

از جنبه شکلی مدرنیسم، عنصر برجسته شعر فروغ «گسستن از اوزان عروضی» و پرداختن به شعر نیمایی یعنی مصرع‌های کوتاه و بلند است. زبان شعر فروغ صمیمی و همان زبان گفت‌وگوی مردم معمولی است. در شعر بلند «به علی گفت مادرش روزی»، مضمون‌های زندگی مدرن و نقد سنت و اندیشه عمیق درباره معنای زندگی، در قالب لهجه تهرانی بیان می‌شود.

دیگر عنصر مهم شکلی مدرنیسم در شعرهای فروغ، استفاده‌ی وسیع از «سمبولیسم» است به طوری که

خیابان و به گفته مارشال برمن، پیوند با زندگی همگانی است، از این حیث، فروغ در (۲۵٪) شعرهای منتخب، این پیوند را بازنمایی می‌کند و اگر دو مقوله محتوایی مهم مدرنیسم یعنی توجه به فروپاشی شخصی و اجتماعی و فکری و نیز «جهان به مثابه روحی ورشکسته» را به آن بیفزاییم، معلوم می‌شود که در بیش از (۷۳٪) شعرهای فروغ، آثار پیوند با زندگی مردم، منعکس شده است؛ و همین به معنی تعهد اجتماعی عظیم فروغ و انسان دوستی و انسان‌گرایی اوست. عنصر «پیوند با زندگی مردم کوچه و خیابان» در شعرهایی مانند «آیه‌های زمینی» و «تولد دیگر» دیده می‌شود. نیز توجه به «فروپاشی شخصی یا اجتماعی و فکری» را در شعرهایی نظیر «جمعه» و «دیدار در شب»، «جهان ورشکسته» را در شعر بلند «به علی گفت مادرش روزی» می‌توانیم ببینیم. توجه به عوارض صنعت و شهرنشینی از دیگر دغدغه‌های شعر فروغ و محورهای مدرنیسم به شمار می‌رود، این محور مهم در شعرهایی مانند «جمعه»، «دیدار در شب» و «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» برجسته است.

جزو ویژگی‌های مهم مدرنیسم، «درون‌نگری» و توجه به «فردیت» آمده‌اند. در شعرهایی نظیر «آن روزها» و «مرداب» و «وهم سبز»، عنصر درون‌نگری غلبه دارد، همچنین «توجه به فردیت» را در شعرهای «به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد» و «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» شاهدیم. درصد شعرهای «درون‌نگر» (۵۶٪) و «فردیت» برابر (۳۱٪) است.

گفته شد که مدرنیسم واکنشی است فرهنگی و زیبایی شناسانه نسبت به مدرنیته و به ویژه مدرنیزاسیون. یعنی هنر مدرن، هم واقعیت مدرنیزاسیون و ساختارهای فوق‌العاده نیرومند آن را می‌پذیرد و می‌نمایاند اما در عین حال و مهم‌تر از پذیرش، به نقادی ریشه‌ای آن می‌پردازد و با آن وارد گفتمان می‌شود. این محور در شعر مدرن و فروغ با

شادی بود/ هر صبحدم با آفتاب پیر/ به دشت‌های
ناشناس جست‌وجو می‌رفت
زمستان و برف: پاکی و سفیدی: آن روزها رفتند/
آن روزهای برفی خاموش.
درخت و نهال: زندگی و رشد و گاهی خود
شاعر: در شب کوچک من، افسوس/ باد با برگ
درختان می‌عادی دارد.
پرنده: پرواز اندیشه‌ها و آرمان و عالم ماورای
طبیعی: پرواز را به خاطر بسپار/ پرنده مردنی
است.
چرا توقف کنم، چرا؟/ پرنده‌ها به جست‌وجوی
جانب
آبی رفته‌اند.
- استفاده از فرم کلاسیک غزل و مثنوی برای بیان
محتوای نو:
فروغ در مجموعه‌های «تولد دیگر» و «ایمان
بیاوریم به آغاز فصل سرد» سه شعر در قالب‌های سنتی
گفته است یعنی یک غزل و دو مثنوی، غزل فروغ با
مطلع «چون سنگ‌ها صدای مرا گوش می‌کنی/سنگی و
ناشنیده فراموش می‌کنی»، در قالب کهن، واجد بینش و
زبان و تصویر شعر نو است. مثنوی‌های فروغ هم شعر
امروز محسوب می‌شوند که دارای زبان نو و تعبیرات
نو هستند: ای شب از «رویای تو رنگین شده/ سینه از
عطر تو ام سنگین شده» و «شب سیاهی کرد و بیماری
گرفت/ دیده را افسون بیداری گرفت.»
با این ترتیب، روشن می‌شود که شعر فروغ هم از
جنبه محتوایی و هم شکلی مدرن به حساب می‌آید.

منابع و مأخذ

امیر ضیایی، ایرج (۱۳۹۰)، مدرنیسم در شعر فروغ و شاملو، تهران: هفت وادی.
برمن، مارشال (۱۳۸۰)، تجربه مدرنیته، ترجمه مراد
فرهاد پور، تهران: طرح نو.

در بررسی اشعارش، بیش از (۹۳٪) به این عنصر
شکلی مدرنیسم اختصاص دارد.
عنصر «ریتم» در معنی تکرار واژگان و معناها و
شخصیت‌ها به منظور تأکید و تأثیر نیرومند بر نفوس،
ویژگی دیگر شکلی مدرنیسم در شعر فروغ است. از
این حیث می‌توان «ریتم» را ویژگی شخصی فروغ به
حساب آورد چون در بیش از ۹۳٪ شعرهایش از این
خصیصه بهره برده است.
بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در شعر فروغ
نوآوری سبکی در موارد زیر برجسته است:

- گسستن از اوزان ضربی و ارائه شعر سبک
نیمایی

- به‌کارگیری ریتم

- ایماژیسم

- طرح نخستین بار معشوق مرد مشخص در شعر،
البته این معشوق در «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به
آغاز فصل سرد»، متعالی‌تر است:

- همه هستی من آیه تاریکی است

که ترا در خود تکرار کنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد
برد.

و نیز

...

معشوق من

گویی ز نسل‌های فراوش گشته است

...

معشوق من

همچون طبیعت

مفهوم ناگزیر صریحی دارد

- سمبولیسم:

خورشید: سمبول زندگی و امید و روشنی حقیقت:

گویی میان مردمک‌هایم/ خرگوش ناآرام

- بیکر، ترزال (۱۳۸۶)، نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- چایلدز، پیتز (۱۳۸۳)، مدرنیسم، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر ماهی.
- حمیدیان، سعید (۱۳۹۰)، شرح شوق، تهران: نشر قطره.
- شاملو، احمد (۱۳۵۱)، مرثیه‌های خاک، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شاملو، احمد (۱۳۵۲)، ابراهیم در آتش، تهران: نشر زمان.
- شاملو، احمد (۱۳۷۱)، باغ آینه، تهران: انتشارات مروارید.
- شاملو، احمد (۱۳۷۲)، آیدا در آینه، تهران: انتشارات نگاه و زمانه.
- شاملو، احمد (۱۳۷۲)، آیدا: درخت و خنجر و خاطره، تهران: انتشارات مروارید.
- شاملو، احمد (۱۳۷۶)، حدیث بی‌قراری ی ماهان، تهران: انتشارات مازیار.
- شاملو، احمد (۱۳۷۶)، در آستانه، تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- شاملو، احمد (۱۳۸۴)، ترانه‌های کوچک غربت، تهران: نشر نگاه.
- شاملو، احمد (۱۳۸۴)، مدایح بی‌صله، تهران: انتشارات نگاه.
- شاملو، احمد، سرکیسیان، آیدا (۱۳۸۰)، کتاب کوچک ۷، حرف پ، دفتر اول، تهران: انتشارات مازیار.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۳)، ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۹۰)، با چراغ و آینه، تهران: انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۰)، نقد ادبی، تهران: فردوس.
- فرخزاد، فروغ (۱۳۶۰)، ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، تهران: انتشارات مروارید.
- فرخزاد، فروغ (۱۳۶۳)، تولد دیگر، تهران: انتشارات مروارید.
- کرپیندورف، کلس (۱۳۸۳)، تحلیل محتوا-مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- کیوی، ریمنون (۱۳۸۵)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه دکتر عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- موحد، ضیاء (۱۳۸۹)، دیروز و امروز شعر فارسی، تهران: انتشارات هرمس.
- ولک، رنه (۱۳۷۳)، نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.
- Abrams, M.H. (2012), A Glossary of Literary Terms, Harpham, Geoffrey Galtc, Tenth Edition, Wads Worth, Boston, U.S.A.
- American Psychiatric Publishing. (2013), DSM-5 TM, U.S.A.
- Baldick, Chris. (2001), Oxford Concise Dictionary of Literary Terms, Second Edition, Oxford University Press, New York, U.S.A.
- Ritzer, George, Ryan, Jomichael. (2011), The concise Encyclopedia of Sociology, Wiley Black Well, U.S.A

یادداشت‌ها

- ^۱ شعر سنتی شعری است که با وزن و قافیه و مصرع‌های مساوی.
- ^۲ شعر نو شعری است با مصرع‌های نامساوی و بدون رعایت وزن و قافیه
- ^۳.Nationalism
- ^۴.Modernism
- ^۵.Humanism
- ^۶.Modernity
- ^۷.Modernization
- ^۸.Dynamism
- ^۹.Hypertimic
- ^{۱۰}.Symbolism
- ^{۱۱}.Formalism
- ^{۱۲}.Imagism
- ^{۱۳}.Surrealism
- ^{۱۴}.Imperssionism
- ^{۱۵}.Reflection
- ^{۱۶}.Rhytm
- ^{۱۷}.Nihilism
- ^{۱۸}.Existence
- ^{۱۹}.Content Analysis
- ^{۲۰}.Categorical Analysis